

بحث در موضوعات حقوقی

شرایط قرار داد داور

۱ - داورى بدون اینکه دعوائى در بين باشد مورد ندارد ولى لازم نیست که دعوى فعلاً موجود بوده یا اقامه کننده دعوى محق در آن باشد کليه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوى دارند میتوانند بتراضی اختلافات خود را در حقوق و اموال اعم از اینکه در داد گاههای دادگستری طرح شده یا نشده باشد در صورتیکه طرح شده در هر مرحله که باشد بتراضی به داورى يك یا چند نفر رجوع کنند بملازمه متعاملین میتوانند در ضمن معامله یا بموجب قرار داد علیحده ملتزم شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنها رفع اختلاف بطریق داورى بعمل آید بنا براین نه تنها هر وقت اطراف دعوى در باب موضوع اختلاف توافق داشتند میتوانند اقدام بآن نمایند بلکه همینقدر که طرفین در وضعیتی باشند که ممکن است بعد ها ایجاد اختلاف بین آنها شود میتوانند کار را بداورى رجوع کنند.

آیا قبل از اینکه معامله واقع شده دو نفر میتوانند ضمن قرار دادى شرط کنند که کلیه دعوائى که ممکن است بین آنها در آتی اتفاق افتد بداور رجوع شود تظاهراً با ماده ۱۰ قانون مدنى قانعى بنظر نمیرسد زیرا ماده ۱۰ قانون مدنى کلیه قراردادهائی که بین اشخاص واقع میشود مادامی که بر خلاف صریح قانون نباشد جائز شمرده و چنین قرار دادى هم مخالف قانون محسوب نشده است.

۲ - باید قرار دادى که بتراضی تنظیم شده در بین باشد در قرار داد ممکن است اختیارات داور را معین نمود. قرار داد داورى وقتى محقق میشود که کسی بعنوان داور معرفی شده باشد اگر در نفر برکى را امضاء کرده بدست شخص ثالثی بدهند برای اینکه شخص نامبرده هر اختیاری را که می خواهد از نظر اتمام کار برای خود ضمن آن قید کند دیگر نمیتوان گفت قرار داد مزبور قرار داد داورى است بلکه میتوان فرض کرد که ضمن این قرارداد

برای صحت هر قرار دادى قانونگذار شرایطى در قانون مدنى پیش بینی کرده است گذشته از این شرایط که در مورد قرار داد داورى الزامی است قانون برای حمایت اصحاب دعوى شرایط دیگری مقرر نموده است ترتیبی که قانونگذار ایران اختیار برده در حقوق فرانسه نیز مشاهده میشود یعنی علاوه بر شرایط عمومى قراردادها شرایط دیگری برای قرار داد داورى آنجا مقرر شده است و حال آنکه در حقوق انگلستان قرار داد داورى تابع شرایط عمومى قراردادهاست - این اختلاف از اینجاست ناشی است که در حقوق انگلستان داورى امر عادى شمرده میشود و مثل ایران و فرانسه نیست که در موارد استثنائى کار بداورى ارجاع گردد این اختلاف در موارد و شرایط داورى مؤثر واقع شده و باعث شده که در انگلستان جز شرایط عمومى قرار دادها شرایط دیگری برای قرارداد داورى مقرر نشود و حال آنکه در فرانسه و ایران اعتماد و اطمینانى که برای دادگاههای عمومى موجود است نسبت بداور وجود ندارد و بهمین جهت شرایط زیاد تری برای قرار داد داورى مقرر گردیده و نتیجه موارد رجوع بداورى محدود گردیده است. ضمناً باین نکته باید توجه نمود که تعداد شرایط داورى در فرانسه زیاد تر از ایران است و بالتیجه موارد داورى در فرانسه محدود تر از موارد داورى در ایران میباشد بنا بر این میتوانیم بگوئیم که مقررات داورى در ایران در عین حال و در حدود اسکان قواعد داورى فرانسه و انگلستان را جمع نموده است. برای اینکه داورى مورد پیدا کند وجود دو شرط لازم است:

۱ - وجود دعوى

۲ - قرار دادى که بموجب آن تراضی بداورى يك

یا چند نفر بشود

از طریق داوری حل نمایند و منظور از حقوق مذکور در اینجا حقوق خصوصی است و تابعیت از حقوق عمومی است و از حقوق خصوصی نیست تا از طریق داوری قابل قطع و فصل باشد.

در فرانسه بطور کلی موارد ابلاغ را (دخالت دادستان) از رجوع بدآوری استثناء کرده اند زیرا میگویند که در صورت داوری دادستان نمیتواند در جریان کار دخالت کند و بهمین جهت باید در دادگاهها طرح گردد تا دادستان بتواند حق دخالت خود را اعمال نماید.

داوری در مورد معاملات واقع بین اتباع ایران و اتباع خارجه - اتباع خارجه نمیتوانند مادام که تولید اختلاف نشده است بنحوی از انحاء ملزم شوند که در صورت بروز اختلاف حل آن را بدآوری یک یا چند نفر و یا داوری همیشگی رجوع نمایند که آن شخص یا اشخاص یا آن هیئت دارای همان تابعیت که طرف معامله دارد باشد هر قراردادی که مخالف این موضوع باشد باطل و بلا اثر است.

اهلیت

قانون میگوید هر کس اهلیت اقامه دعوی دارد میتواند بدآوری اقدام کند بنابراین مجبورین نمیتوانند اقدام بدآوری نمایند.

محتویات قرار داد داوری

در قرار داد داوری باید مشخصات طرفین و داورها از قبیل نام و نام خانوادگی بطوریکه رفع اشتباه شود ذکر گردد علاوه موضوع اختلاف نیز باید قید شود ممکن است طرق رسیدگی و مدت اختیار داور یا داور دیگری را در صورت معذور بودن داور قبلی پیش بینی نمود.

در قرار داد داوری لازم نیست که نام و نام خانوادگی داور تصریح شود یعنی مشخصات دیگر از قبیل اشاره بشغل او مثل رئیس کانون و کلاء یا رئیس دیوان کشور کافی است - آیا در اینگونه موارد منظور انتخاب کسی است که هنگام انعقاد قرارداد شاغل آن شغل بوده و یا جانشین او نیز میتواند اقدام بدآوری نماید - برای حل این اشکال

به شخصی اجازه داده شده که اختیاری برای خود از نظر تمام کردن کار قائل شود - بنا بر این برای اینکه داوری مورد پیدا کند باید تصریح شود که شخص بعنوان داور انتخاب گردیده است.

۳ - باید صریحاً اختیار داوری بکسی که انتخاب میشود داده شده باشد اگر در قرار داد ذکر شود که در صورت اختلاف برای داوری بشخص ثالثی مراجعه خواهد شد که او سعی در اصلاح قضیه نماید در اینصورت نمیتوان گفت قرار داد مذکور قرار داد داوری است و همچنین در موردی که اشخاص برای حل اختلاف بهدای کارشناس انتخاب میشوند نمی توان گفت قرار داد داوری منعقد شده است.

شرایط صحت قرارداد داوری از قرار زیر است:
تراضی طرفین - مشروعیت موضوع - اهلیت رجوع بدآوری.

نسبت بتراضی طرفین می بایستی اصول کلی قانون مدنی رعایت شود - موضوع داوری نیز باید مشروع باشد دعاوی ذیل را نمیتوان بدآوری رجوع نمود:

۱ - دعاوی راجعه به توقف و ورشکستگی.

۲ - دعاوی راجع باصل نکاح و طلاق و فسخ

نکاح و بذل مدت و نسب

اگر چه قانون فقط دو مورد را بیشتر از رجوع بدآوری منع کرده ولی اصولاً چیزهایی را که نمیتوان موضوع معامله قرار داد نمیشود از طریق داوری حل کرد مثل تابعیت. بنابراین اگر دعوائی در باب تابعیت پیش آید خواه بطور اصلی و خواه بطور طاری از طریق داوری نمیتوان اقدام بحل آن نمود.

علاوه از ماده يك قانون حکمیت نیز ممکن است این معنی را استنباط کرد زیرا ر آنجا قید شده که اشخاص میتوانند اختلافاتی را که در حقوق و اموال دارند

عیناً یا منفعتاً بیش از ۵۰۰ ریال باشد نمی توان بوسیله گواهی زبانی یا کتبی اثبات کرد بنا بر این اگر اختلافی بین طرفین نباشد انعقاد قرار داد داور زبانی بی اشکال است ولی اگر اختلاف بین طرفین باشد در مقام اثبات قضیه باید به تفصیل قائل شویم اگر مورد نزاع کمتر از ۵۰۰ ریال باشد انعقاد قرارداد زبانی هم کافی است زیرا با گواهی نیز قابل اثبات است ولی اگر موضوع بیش از پانصد ریال باشد در اینصورت توسل به قرار داد کتبی از نظر اثبات قضیه لازم است زیرا لازمه ارجاع داور زبانی اینست که اطراف دعوی اختیار کار را بدست شخص ثالثی بدهند این شخص ثالث میتواند اختیار دهنده را نسبت بتمامی یا بعضی موضوع نزاع غیر محقق شناسد دادن چنین اختیاری در حکم عقدی است که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از پانصد ریال باشد و اثبات آن محتاج بسند کتبی است. بدیهی است که اگر ما لزوم توسل به قرار داد کتبی را قائل شویم این شرط شرط صحت محسوب نشده بلکه خواهیم گفت از نظر اثبات انعقاد داور زبانی به تنظیم چنین سند کتبی خواهیم بود.

در فرانسه طبق ماده ۱۰۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی انعقاد قرار داد داور زبانی باید بوسیله سند کتبی بعمل آید ولی توسل بسند رسمی لازم نیست بلکه طرفین میتوانند بوسیله سند غیر رسمی یا نزد داورهایی که انتخاب می کنند قرار داد داور زبانی را منعقد نمایند. باین نکته باید توجه داشت که در آنجا نیز توسل بسند کتبی از نظر اثبات قضیه است و گرنه از نظر اساس قرار داد یعنی در مقام ثبوت قضیه احتیاجی بسند کتبی نیست بنابراین اگر اختلافی بین طرفین نباشد بدون هیچگونه سندی میتوانند اختلاف خود را به داور رجوع کنند. در انگلستان قرار داد زبانی برای انعقاد داور زبانی کافی است منتها چنین قراردادی جایز شمرده شده و لازم محسوب نمیگردد.

باید بمقصد طرفین مراجعه نمود اگر طرفین نظر بشخص منصوبی وقت داشته کسی که جانشین او میشود نمی تواند داور شناخته شود ولی اگر نظری بشخص نبوده بلکه از جهت شغلی که داشته بدین سمت انتخاب شده باشد در اینصورت جانشین او نیز میتواند بعنوان داور شناخته شود. قصد طرفین را از عبارات قرار داد و قرائن دیگر میشود استنباط کرد.

اگر قرار رجوع بداور زبانی ضمن معامله شده باشد و طرفین داور یا داورهای خود را ضمن معامله با قرار داد معین نکرده باشند در موقع بروز اختلاف یکطرف داور خود را معین نماید طرف دیگر میتواند داور خود را معین کرده بوسیله اظهار نامه رسمی او را بطرف مقابل معرفی و از طرف مزبور تقاضا نماید که داور خود را معین و معرفی نماید در اینصورت طرف مذکور مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهار نامه با رعایت مدت مسافت داور خود را معین و اعلام کند و هرگاه تا انقضای مدت مذکور اقدام ننمود دادگاهی که صلاحیت رسیدگی بموضوع اختلاف را دارد بتقاضای طرفی که داور خود را معین کرده است داور طرف دیگر را معین خواهد نمود در صورتی که نسبت باصل معامله یا قرار داد راجعه بحکمیت بین طرفین اختلافی باشد دادگاه قبلاً بآن رسیدگی کرده پس از احراز مبادرت بتعیین داور ممتنع مینماید ولی مادام که داور معینی از طرف دادگاه بداور طرف ابلاغ نشده است طرف ممتنع میتواند داور خود را معین و معرفی کند قرار داد داور زبانی چگونه باید تنظیم شود ؟

قرار داد داور زبانی را می توان ضمن سند رسمی یا غیر رسمی تنظیم نمود. آیا قرار داد زبانی کافی است یا باید حتماً سند کتبی در بین باشد این نکته در قانون پیش بینی نشده بنا بر این برای حل آن باید به اصول کلی متوسل شد قانون مدنی مقرر کرده که جر در مواردی که قانون استثناء کرده هیچیک از عقود و تعهدات را که موضوع آن

خاتمه قرار داد داوری

داوری با از بین رفتن موضوع دعوی خاتمه پیدا می کند
بعلاوه بعلل ذیل نیز مرفوع میگردد :

۱ - خاتمه مهلت داوری خواه مدت آن سریباً در
قرار داد ذکر شده و یا نشده باشد که در اینصورت
مدت آن دو ماه خواهد بود و ابتدای آن روزیست که تمام
داور ها کتباً قبول نموده اند این مهلت از این جهت مقرر
شده که داور ها نتوانند مدت مدیدی در اختیار خود باقی
باشند بملاوه در ظرف مدت معینی تکلیف قضیه را معین
کنند شاید در بدو امر این مهلت کوتاه بنظر برسد ولی با
دقت زیادتری معلوم میشود که دو ماه وقت برای رسیدگی
و دادن حکم کافی است زیرا داور ها معمولاً کار دیگری
مثل دادگاهها در دست ندارند تا فقط قسمتی از وقت خود را
بتوانند صرف کار مرجوع نمایند

قانون مبداء شروع مهلت داوری را از روز قبول
داور معین کرده حال اگر در روز قبول داور هنوز دعوی
شروع نشده باشد در اینصورت مبداء مهلت چه وقت خواهد
بود میتوان ابلاغ قرار داد و قبول داور ها را بعد از ایجاد دعوی مبداء
مهلت قرار داد مگر اینکه طور دیگری پیش بینی شده باشد

هرگاه داور ها در مدت معین در قرار داد داوری
بامدت قانونی رای ندهند داوری آنها از بین می رود مگر
اینکه طرفین مدت جدیدی برای داوری تعیین نمایند .

بطوری که قانون پیش بینی کرده داور ها باید در ظرف
مدت معینی رأی خود را بدهند بنا بر این اگر رأی خارج
از این مدت صادر شده اعتباری نخواهد داشت ولی لازم نیست
که تسلیم رأی بدادگاه هم در ظرف این مهلت بعمل آمده
باشد بنا بر این اگر رأی در ظرف مهلت صادر شده ولی در

خارج از مدت بدادگاه تسلیم شده باشد ظاهراً اشکال
ندارد و رأی مزبور معتبر خواهد بود .

۲ - در صورت فوت یا حجر یکی از طرفین : چرا
قانون مقرر کرده در صورت فوت یکی از طرفین داوری از
بین می رود ؟ - برای اینکه توسل بدآوری طریقه استثنائی
است و قانونگذار در مورد فوت نخواستگاره است داوری را بورنه
تحمیل کند اگر این حکم نسبت بورنه صغیر از لحاظ صغیر
بودن طرف و عدم امکان دخالت دادستان برای حفظ منافع
او بهرد داور ها منطقی داشته باشد نسبت بورنه کبیر بی
فلسفه بنظر میرسد مگر اینکه بگوئیم مبنای داوری اذن
است و این اذن با فوت طرف دعوی از بین می رود .

۳ - هرگاه یکی از جهات رد پیش بیاید .

۴ - تراضی طرفین - داورها میتوانند در ظرف مهلت
یا پس از تمدید خواه صریحاً و خواه ضمناً با انتخاب
داورهای دیگری بدآوری اولی خاتمه بدهند .

۵ - در صورت فوت داور ها و یا عدم قبول آنها
بمحکومیت بخیان و یا اتهام بخیان و یا محکومیت بجنحه
که دادگاه آنها در حکم خود از حق داور شدن محروم
کرده است .

پس از قبول داوری داور ها حق استعفاء ندارند مگر
در صورت داشتن عذر موجه از قبیل مسافرت و باناخوشی
یا امثال آن داوری که بدون داشتن عذر موجه استعفاء دهد
تا پنج سال بطریق قرعه بدآوری معین نخواهد شد و در
صورتیکه در دو جلسه بدون عذر موجه حاضر نشود داور
هائی که در جلسات حاضر شده اند مراتب را بدادگاه مربوطه
اطلاع میدهند و دادگاه دیگری را بجای او معین میکند
مگر اینکه طرفین بدآوری خود آن داور تراضی کنند .

دکتر جلال عبده